



مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث صدر شیعہ

دفتر مستقیم

بہ کوشش

مہدی مہریرنی علی صدرایی خونی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۶

مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱ - ، گردآورنده.

میراث حدیث شیعه: دفتر بیستم / به کوشش مهدی مهریزی و علی صدراایی خویی. - قم: دار الحدیث، ۱۳۸۸.
۵۶۷ ص. (پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۶)

ISBN : 978 - 964 - 493 - 455 - 1

چاپ اول: ۱۳۸۸.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. حدیث شیعه - مجموعه‌ها. ۲. احادیث شیعه - مجموعه‌ها. الف. صدراایی خویی، علی، ۱۳۴۲ - ، گردآورنده

همکار. ب. عنوان.

۹م ۹م/۴/۱۰۶ BP

میراث حدیث شیعه / ۲۰

به کوشش: مهدی مهریزی و علی صدراپی خویی

تحقیق: مرکز تحقیقات دارالحدیث
امور اجرایی: مهدی سلیمانی آشتیانی
ویراستار: قاسم شیرجعفری
صفحه‌آرایی: سید علی موسوی‌کیا



ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: اول / ۱۳۸۸

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، نبش کوی ۱۲ پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ / ص.پ.

۳۷۱۸۵ / ۴۴۶۸

نمایشگاه و فروشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵

فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام صحن کاشانی) تلفن: ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه همکف)

تلفن: ۰۵۱۱ ۲۲۴۰۰۶۲ - ۳

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهارراه پل خاکی، سمت چپ، ساختمان

کوثر) تلفن: ۸۴۲۶۳۳۲

<http://www.hadith.net>

hadith@hadith.net

ISBN : 978 - 964 - 493 - 455 - 1

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است *



نزهة الأنظار في مشايخ الإجازة إلى أئمة الأطهار عليهم السلام

سید محمدکاظم بن احمد جزایری (قرن ۱۴ ق)

تحقیق: سید جعفر حسینی اشکوری

درآمد

مؤلف

نام کامل وی «سید محمدکاظم بن احمد بن محمدجعفر بن عبد الصمد جزایری شوشتری» است. او در ذی حجه سال ۱۳۳۹ ق در شوشتر دیده به جهان گشود و تحصیلات خود را در نجف اشرف به پایان رساند.

اساتید وی آن چنان که خود نگاشته، عبارت اند از: آقای ادیب - مؤسس دبستان دولتی علوی ایرانیان نجف -، شیخ عبد الله تبریزی، سید محمود خان، شیخ مرتضی طالقانی و شیخ شمس بادکوبی. او مدتی مقیم نجف اشرف بوده و پس از آن در تهران سکناگزیده و تا پایان عمر در این شهر به سر برده است.

آثار

جزایری آثار چندی در موضوعات گوناگون نگاشته که هیچ کدام به چاپ نرسیده است. عنوان کتاب های وی چنین است:

۱. ترجمه هدایه نحو، فارسی؛

۲. نخبة البشر في أحوال علماء القرن الرابع عشر؛

۳. أنوار الكلام فيما رأيناه في هذا المقام (رساله‌ای که پس از این رساله تقدیم می‌گردد)؛

۴. زندگی نامه، به صورت پراکنده و کَشکول، فارسی؛

۵. خودشناسی، به صورت پراکنده و کَشکول، فارسی؛

۶. کلید نجات، در خواص آیات و سوره‌های قرآن، فارسی؛

۷. ذرّ بهشت، در تفسیر بعضی آیات قرآن، فارسی؛

۸. باغ امید، شامل چهل حدیث، فارسی؛

۹. نزهة الأنظار في مشايخ الإجازة إلى أئمة الأطهار (رساله حاضر)؛

۱۰. گلزار احمد.

نسخه همه این آثار - بجز کتاب ترجمه هدایه - در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

علاوه بر این آثار، دو نسخه خطی، در دست است که به دست جزایری تحریر شده است با این مشخصات:

الف: مجموعه‌ای شامل چهار رساله (غایة التقرب في تهذيب التهذيب، از سید محمد حسین بن محمد علی مرعشی شهرستانی؛ البیان البديع في ابن بزیع، از سید حسن بن هادی صدر کاظمی؛ دیوان الإمام السجادة علیه السلام؛ نخبة البشر في أحوال علماء القرن الرابع عشر، تألیف خود جزایری) و شامل ۸۶ برگ، که جزایری در سال ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ ق در نجف اشرف تحریر نموده و به شماره ۱۰۱۰۹ در کتابخانه آیه الله مرعشی نگهداری می‌شود.^۱

ب: مجموعه‌ای شامل دو رساله (تذکرة شوشتر، از سید عبد الله جزایری شوشتری؛ هدیة الكلام^۲، تألیف خود جزایری) در ۵۵ صفحه که

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۲۶، ص ۷۵-۷۷.

۲. نام رساله در مقدمه نسخه «هدیة الكلام» ذکر گردیده، ولی در فهرست مسجد اعظم به اشتباه «هدایة الكلام» درج شده است.

جزایری آن را در سال ۱۳۸۴ ق در قم تحریر نموده و به شماره ۲۹۱ در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می شود.^۱

نزهة الأنظار

جزایری در این رساله اجازات نقل روایت را که از مشایخ عصر خود دریافت نموده، گردآوری کرده است.

اجازات دانشمندانی که در این رساله درج گردیده عبارت است از:

۱. اجازه آقا سید میرزا هادی خراسانی؛
۲. اجازه سید ابراهیم قزوینی؛
۳. اجازه شیخ آقا بزرگ تهرانی در ذیل مشیخه؛
۴. اجازه حاج شیخ عباس قمی؛
۵. اجازه میرزا محمد طهرانی ساکن سامرا؛
۶. اجازه میرزا محمد علی غروی اوردبادی؛
۷. اجازه شیخ محمد رضا طبسی خراسانی؛
۸. اجازه شیخ آغا بزرگ تهرانی و عالم زاهد حاج شیخ علی بن ابراهیم قمی؛
۹. اجازه شیخ علی اکبر نهاوندی.

جزایری از گردآوری و تدوین این رساله در روز چهارشنبه هشتم اردیبهشت ۱۳۵۰ ش برابر با دوم ربیع الأول سال ۱۳۹۱ ق در تهران فارغ شده است.

نسخه‌های رساله

از این کتاب دو نسخه در دست است که هر دو به خط مؤلف تحریر شده است، با این مشخصات:

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۲۶، ص ۷۵-۷۷.

۱. نسخه کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره ۲۹۱، که تحریر آن در ذی قعدة ۱۳۸۴ ق پایان یافته است.^۱

۲. نسخه‌ای که اصل آن در کتابخانه مرحوم شرف الدین در شوشتر و تصویری از آن در مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۳۰۶۰ نگهداری می‌شود و تحریر آن در روز چهارشنبه هشتم اردیبهشت ۱۳۵۰ ش برابر با دوم ربیع الأول سال ۱۳۹۱ ق در تهران پایان یافته است.

تصحیح از روی هر دو نسخه انجام پذیرفت و نسخه دوم چون تحریر آخر مؤلف بود، اصل قرار گرفت.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، ص ۴۳۹.

والحمد لله أولاً وآخراً وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين صلوات الله
عليهم أجمعين في يوم السادس عشر من شهر رمضان المبارك سنة ١٣٥٨
ثمانية وخمسين وثلثمائة بعد الألف قلت في تاريخ احتساب هذه الأشار

حررة الخاطي محمد كاظم على الذنوب كلما علام
في شهرنا المشهور بالمبارك افضل شهر عند كل سالك
لما مضى ثالث عشر من ماه راح صدقي مرتضى الى اللحد
سادس عشر ختمت من كلام هذا الكتاب المختصر مرام

قد نقل من السواد الى البياض في يوم السبت عشرين من شهر ذي
قعدة الحرام سنة ١٢٨٤ محمد اربع وثمانين بعد الستمائة والالف ميلاد
في ليلة قلم الحروسة صاها الله عن طوارق الحدان ولتختم الكتاب
نعيمة من اجازات العلماء الاعلام لمولفة عفي عنه والحمد لله رب العالمين
اجازة الصلاة السيد محمد هادي الخراساني زبيل كرر الله
على ظهر كتابه الموسوم اصول الشيعة وفروعهم الشريفة
حرره محي رابع عشر من محرم الحرام سنة ١٣٥٩

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي اجازنا الحديث قدیم بغيره
حديث الآله والصلوة والسلام على افضل انبياء المبعوث باكمل انبائه

ما صح لي روايته من الاحاديث المروية عن النبي والائمة المصيرين التي
 جميعها اصحابنا رضوان الله عليهم من الكتب المعتبرة والطرق المعروفة
 واجزت له رواية ما روتهما من ذلك لاصية المحدث الخيرو مولانا الحاج
 ميرزا حسين النوري الطبرسي نورا الله مرقده عن العلامة الاميني بطرأه
 المذكورة في خاتمة مستدرک الوسائل لاصية الامول الارضية الهندية
 والاستبصار وكتاب الكافي والفقية وكذا انك اجزت له رواية ما نقله
 صنفه هذا الضيف فيما يتعلق بالاحبار وغيره اقليمه وعنده جميع ذلك محققا
 مراعيه للشرائط المحفوظة في الاصول والمرجع ان يذكرني في صالح دعوائه و
 يخطرنى بالبال في بعض خلواته وكتب هذه الكلمات بيده الجارية على الكبريت
 حسين النماوندي على طريق الاستقبال في وقت تشتت سيدنا المستعجني
 بزيارة القبة الرضوية على ساكنها الاف الصلوة والسلام والعتبة في
 يوم الثامن والعشرين من شهر رجب المرجب سنة ١٣٦٢ الف وثلثمائة واثنين
 وستين من الهجرة النبوية على هاجرها الاف الصلوة والسلام والعتبة
 وانا الاحقر على اكبر النماوندي على التمام

والحمد لله اولا و آخر ا وصلي الله على محمد واله الطاهرين

سهرزدي بقعة الحرام سنة ١٣٨٤

محمد كاظم الموسوي الخراساني

في بلدة قم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على كلّ نعمة، وأسأل الله من كلّ خير، وأعوذ بالله من كلّ شرٍّ، وأستغفر الله من كلّ ذنب.

چنین گوید بنده گنهگار تبه روزگار «محمد کاظم بن احمد بن محمد جعفر بن عبد الصمد جزایری شوشتری» غفر الله له ولو لوالديه بحق محمد وآله أئمة المعصومین صلوات الله عليهم أجمعین.

پس از تألیف کتاب «دَرِ بهشت» در تفسیر بعضی از آیات قرآن کریم، بر آن شدم که مختصری از حالات خود را در این جا ثبت نمایم؛ شاید سبب طلب مغفرت دوستان باشد.

بسی تیر و دی ماه وارد بهشت	بیايد که ما خاک باشیم و خشت
کسانی که از ما به غیب اندرند	بیايند و بر خاک ما بگذرند
پس از ما بسی گل دهد بوستان	نشینند با یکدگر دوستان

ولادت حقیر ماه ذی حجه سنه یک هزار و سیصد و سی و نه هجری در شهرستان شوشتر بوده، تحصیلات خود را در نجف اشرف نموده‌ام، نام استادان خود را تا آن جا که اطلاع دارم به شرح زیر می‌باشد: مقدمات نزد آقای ادیب مؤسس دبستان دولتی علوی ایرانیان نجف، و شیخ عبد الله تبریزی و سید محمود خان و شیخ مرتضی طالقانی و شیخ شمس بادکوبی که عموماً از دنیا رفته‌اند و شادی روح و آمرزش آنان را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم، إنه قریب مجیب.

محضر علمای اعلام - رضوان الله عليهم أجمعین - رسیده و اجازاتی در نقل احادیث اهل بیت علیهم السلام اخذ نموده که نقل آنها در این مختصر خالی از فائده نیست، لذا به نقل آنها - اگر چه به زبان عربی هستند - می‌پردازم، بعون الله الملك الوهاب.

[١]

إجازة مرحوم حجة الإسلام آقا سيّد ميرزا هادي خراساني - رضوان الله عليه -

ساكن كربلاى حسيني صلوات الله عليه على ظهر كتابه

الموسوم بأصول الشيعة وفروع الشريعة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أجازنا لتحديث قديم نعمه وحديث آلائه، والصلاة والسلام على أفضل أنبيائه المبعوث بأكمل أنبائه محمد والطاهرين من عترته وأبنائه.

وبعد : فإنه استجازني الولد الأمجد السيّد السند والحبر المعتمد الباهر من وجهه الظاهر أثر الترقيات الفائقة في العلم والعمل نتيجة العلماء الأعظم « السيّد محمد كاظم نجل السيّد الأجل العالم الأكمل البارع الأوحد السيّد أحمد الجزائري » أدام الله تعالى لهما كلّ خير حريّ، فاستخرت الله تعالى وأجزته أن يروي عني جميع مصنفاتي ومؤلفاتي في جميع العلوم وغيرها وكلّما رويته من الأحاديث والأخبار والآثار من مشايخي الأجلّة وأساتيدي قدّس الله أسرارهم بطرقي الكثيرة وإجازاتي الوفيرة المتصلة بأهل بيت العصمة والطهارة صلوات الله عليهم أجمعين .

وأوصيه بما أوصاني به الشيوخ - قدّس الله سرّهم - من الاحتياط في الدين والتحرّز عن مخالفة المشتهر بين المجتهدين، وأن يذكرني ومشايخي في أوقات دعواته وصلواته، وفقّه الله تعالى وإيّانا لمرضاته؛ إنّه ولي حميد، والحمد لله ربّ العالمين .

حرّره الأحقر الفاني « محمد هادي الحسيني الخراساني الحائري » في رابع عشر

من المحرم سنة ١٣٥٩ .

[٢]

إجازة العلامة حجة الإسلام مرحوم آقا سيد إبراهيم قزويني رحمه الله نزيل كربلاء

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على صفوته^١ المنتجبين من الخلق أجمعين محمد وآله الطاهرين، واللعة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى يوم الدين.

وبعد: فإن علم الفقه والحديث من أغلى ما نفالت فيه الهمم العلية، وأنفس ما تنافست فيه النفوس القدسية، وقد استجازني صاحب المفاهر والمكارم أعني به جناب «السيد كاظم نجل المولى المعتمد والسيد المؤيد حضرة السيد أحمد التستري الجزائري» دام تأييدهما. وإني مع قلة معرفتي بحقه رأيت معالم الخير من سيماه لائحة وآثار السعادة منه لائحة، فلذلك أجزت له وفقه الله أن يروي عني ما صح عن علمائنا المتقدمين والمتأخرين - رضوان الله عليهم أجمعين - كالأصول الأربعة التي هي أقوى مستند الشيعة وفروعها كالبحار والوافي والوسائل والعوالم وكل أصل ثبت صدوره عن علماء الشيعة، واشترطت عليه أن يلتزم بتصحيح إسنادها وعباراتها وتصحيح أغلاط بعض نسخها والتحفظ عن تغييرها في نقل معانيها.

فله أن يرويها عني بحق إجازتي عن المرحوم والدي العلامة - طاب ثراه - بحق إجازته رحمه الله عن العالم العامل التقى الحاج مولى علي بن المرحوم ميرزا خليل الطهراني قدس سرهما، وعن العلامة المحقق والمؤسس المدقق شيخ العلماء مقتدى الفقهاء الحاج الشيخ مرتضى الأنصاري التستري رحمه الله، وأسأله الدعاء في مظان الإجابة.

وكتب هذه الأحرف بيده الجانية الفانية «محمد إبراهيم الموسوي القزويني الحائري» في الثالث عشر من شهر المحرم من سنة ألف والثلاثمائة والتسعة والخمسين ١٣٥٩ هجري.

مهر: عبده محمد إبراهيم بن هاشم الموسوي

[٣]

اجازة مرحوم آقا شيخ آقا بزرگ طهرانی در آخر كتاب مشيخه - طاب ثراه -

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لوليّه، والصلاة والسلام على نبيّه وآل نبيّه.

وبعد : فقد استجاز مني السيد السند المقبل الصالح « السيد كاظم بن السيد أحمد الموسوي » زاد الله توفيقه وكثر الله أمثاله ، فاستخرت الله وأجزته أن يروي عني عن مشايخي المسطورين في هذه المشيخة وغيرهم بجميع طرقهم ، فليرو عني لمن شاء وأحبّ مراعيّاً للاحتياط ملازماً للتقوى في سائر الحالات . حرّره الجاني « آغا بزرگ الطهراني » في ٢٤ محرم الحرام ١٣٥٨ .

[٤]

اجازة مرحوم شيخ عباس قمي - طاب ثراه - كه در زیر اجازة فوق

نگاشته است

بسم الله الرحمن الرحيم

ثمّ استجازني دام تأييده ، فأجزت له أن يروي عني جميع ما صحّت لي روايته و جازت لي إجازته بطريقي إلى أرباب المؤلفات من مشايخنا المحدثين الثقات ومن الرواة عن الأئمة الهداة عليهم السلام ، فليرو عني مراعيّاً للتقوى وملازماً للاحتياط ولا ينساني من الدعاء في الأسحار وفي أعقاب الصلوات ، والصلاة على محمد وآله خير البريات ، وأنا الأحقر « عباس القمي » عفي عنه في تاسع ربيع الأول سنة ١٣٥٨ .

[٥]

اجازة مرحوم آقا ميرزا محمد طهرانی ساکن سامرا رحمه الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين ، وأشرف الصلوات وأفضل التحيات على خاتم الأنبياء والمرسلين وآله الطيبين الطاهرين .

وبعد : فقد استجازني رواية ما صحّت لي روايته وسأغت لي إجازته سيّد الفضلاء

الأركياء وسلالة الفقهاء الأتقياء، قرّة عين الفضل والكمال، وشمس سماء المجد والإقبال، السيّد الفاضل الورع التقّي اللوذعي الألمعي «السيّد كاظم ابن السيّد العلامة السيّد أحمد بن العالم العيلم السيّد جعفر ابن الإمام الهمام السيّد عبد الصّمد» من أجلّ تلامذة سيّدنا الأستاذ الأعظم المجدّد علامة البشر ومجدّد المذهب والملة والدين على رأس المئة الرابعة عشر الحاج ميرزا محمد حسن الغروي العسكري الشيرازي، ومن أحفاد المحدث العلامة السيّد نعمة الله الجزائري قدّس الله أرواحهم. ولمّا رأيت وفقه الله تعالى أهلاً لذلك وفوق ما هنالك أجزت له أن يروي عني ما صحّت لي روايته وسأغت لي إجازته عن مشايخي العظام الذين هم أساطين الإسلام، ومنهم: - وهو أعظمهم - سيّدنا الأستاذ الأعظم المذكور، وغيره من أساتذتي المذكورون في إجازتي، والطرق متكررة متشعبة مذكورة في المجلد الخامس والعشرين من كتابنا الكبير الموسوم بمستدرك البحار في الاستدراك على المجلّدات الخمسة والعشرين من البحار لجذنا غواصّ بحار الآثار، ولنقتصر على طريق واحد فأقول:

أجزته - أيّده الله تعالى - أن يروي عني جميع ما صنّفت في فنون الإسلام من الخاص والعام، عن وحيد عصره وفريد دهره الحاج ميرزا حسين ابن العبد الصالح الحاج ميرزا خليل الطبيب الطهراني، عن أخيه وشيخه وأخيه العالم العلامة الرّبّاني الحاج مولى علي الطهراني، عن الشيخ الجليل النّبيّل الشيخ عبد علي الرشتي صاحب الشرح على الشرائع، عن الإمام الهمام صاحب الكرامات الباهرة السيّد محمد مهدي بحر العلوم، عن شيخه وخاله الإمام المجدّد على رأس المئة الثالثة عشر المولى محمد باقر البهبهاني، عن والده الأكمل محمد أكمل، عن جدّه وجدنا العلامة المجلسي، عن والده العلامة على الإطلاق المولى محمد تقّي، عن شيخه بهاء الملة والمذهب والدين الشيخ بهاء الدين محمد العاملي، عن والده عزّ الدين عبد الصّمد العاملي الجبعي الحارثي، عن شيخه الإمام الأعظم زين الدّين ابن علي الشهير بالشهيد الثاني بسنده المذكور في إجازته المذكورة في إجازات البحار.

وأخذ عليه - وفقه الله تعالى للعلم والعمل - ما أخذه عليّ مشايخي - قدّس أرواحهم - من الاحتياط الذي هو طريق النجاة في جميع أقواله وأفعاله في ليله ونهاره،

وأن لا ينساني في حياتي وبعد وفاتي في خلواته وأعقاب صلواته .
 وكتبه بيده الجانية الفانية العبد المذنب الجاني « محمد بن رجبعلي الطهراني »
 نزيل سامراء، على الثاوين بها والمغيب فيها آلاف التحية والثناء، ومعمرها ومحبي آثار
 التشيع بها بعد الحجتين سيدنا الأستاذ الأعظم المجدد وشيخنا الأعظم خاتمة الفقهاء
 والمجتهدين الآميرزا محمد تقي الحائري العسكري الشيرازي، عشية يوم الجمعة
 الواحد والعشرين من شهر رمضان سنة ١٣٥٨ في الغري السري، على الثاوي به آلاف
 الثناء والتحية من الله العلي حامداً مصلياً ومستغفراً.

مهر: العبد محمد ١٣٣٥

[٦]

اجازة العلامة ميرزا محمد علي الغروي الأوردبادي رضوان الله عليه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله، وسلام على عباده الذين اصطفى .

وبعد : فقد رغب إلي الشاب الفاضل الصالح سلاله العلماء الأعظم « السيد
 محمد كاظم نجل العالم الفاضل المسدد السيد أحمد خلف العالم الأجل النور الأزهر
 السيد جعفر ، ابن العلامة الأوحد العلم المفرد حجة الإسلام السيد عبد الصمد ، ابن
 الحاج آقا أحمد بن محمد بن الطيب بن محمد بن نور الدين بن السيد الفقيه المتكلم
 المحدث البارع السيد نعمة الله الموسوي الجزائري » قدس الله أسرارهم ، في تخويله
 بالإجازة لرواية أحاديث أئمة الدين من العترة الطاهرة - صلوات الله عليهم أجمعين -
 وكتب علمائنا الإمامية حباً منه للكون في عداد رواة أحاديثهم، فيشملة ما ورد
 عنهم عليه السلام في التنويه بفضلهم الظاهر وشرفهم الوضاح، وللتيمن بأنفاس المشايخ
 الواقعين في سلسلة الإسناد، وإدراك شرف الاتصال بسلفه الطاهر سلام الله عليهم،
 والافتداء بأساطين الدين الذين لم يزوالوا دائبين على الإجازة والاستجازة، وربما
 ضربوا لها أباط الإبل وطووا المفاوز والحزوم، وفيهم من يوجها وتوقف الاستنباط
 عليها، وفي العصر الأوائل كانوا بها يصححون نسب الكتب إلى مؤلفيها، وكم تبرح
 كذلك فيما لم يتواتر نقله منها، ولرغبة منه في الخروج في نقلياته عن الوجدادة إلى

غيرها من الفوائد الجمّة.

وإذ توسّمت فيه الخير كلّ يوم عرفته من رواد المعرفة ملماً بالعلم، متوسماً بالصلاح، متولعاً بالنقل، جماعاً للأثار إلى مجد طريف، وشرف تالد، وسؤدد باهر، وخطر ظاهر، وحسب طاهر، ونسب يشثوا البدر ألقه، ويفوق الردع عبقه، لم أجد منقداً من إنجاز طلبته والكون في ظنّه الحسن بي على قصوري عن كلّ فضيلة وتقاعسي عن كلّ شأٍ، فضلاً عن أن أكون كأحد ممن يستجاز منه، غير أنّي مأمور ومعدور.

فلسيّتنا المستجيز الرواية عنّي لما صحت لي روايته من أحاديثنا المعتمدة وكتبنا المعتمدة عليها عن مشايخ بأسانيدهم المتصلة إلى أرباب الكتب فإلى منبثق أنوار النبوة صلى الله عليهم، وإليك أسماؤهم:

١. الوالد العلامة حجة الإسلام آية الله ميرزا أبو القاسم الغروي الأوردبادي رحمته الله، عن شيخ الطائفة الشيخ محمد طه نجف بإسناده المذكور في آخر رجاله إقتان المقال.

٢. شيخنا الإمام آية الله ميرزا محمد تقي الحائري الشيرازي، عن الزعيم الكبير الحاج ميرزا حسين الخليلي الرازي النجفي، عن أخيه المذكور بإسناده في خاتمة المستدرک وغيره.

٣. سيّد الطائفة آية الله السيّد ميرزا علي آقا الشيرازي، عن العلامة السيّد ميرزا عطاء الله، عن أبيه صاحب الروضات، وأسانيده مذكورة في أحسن الوديعه، وعن عمّه العلامة ميرزا محمد هاشم الخوانساري بأسانيده المذكورة في خاتمة المستدرک.

٤. سيّد الفقهاء آية الله أبو محمد الحسن صدر الدين العاملي الكاظمي، عن الأعلام الهداة الحاج ملا علي الخليلي الرازي وأخيه الحاج ميرزا حسين ومعر الدين سيّدنا المهدي القزويني وميرزا محمد هاشم الخوانساري والعلامة النوري، وأكثر أسانيدهم مذكورة في خاتمة المستدرک للعلامة النوري.

٥. سيّد فقهاء العصر آية الله الحاج آقا حسين الطباطبائي القمي، عن العلمين الهاديين الحاج السيّد مرتضى الكشميري المذكور بإسناده في مشيخة شيخنا العلامة الرازي، وعن الحاج ميرزا حسين الخليلي والحاج الشيخ عباس القمي.

٦. الزعيم الكبير آية الله ميرزا محمد حسين النائيني النجفي، عن الشيخ محمد طه نجف، والحاج ميرزا حسين الخليلي.
٧. الحجّة البالغة السيّد عبد الحسين شرف الدين العاملي، عن والده العلامة السيّد يوسف، عن الفقيهين الأعظمين الشيخ محمد حسين الكاظمي والحاج ميرزا حبيب الله الرشتي، وعن ميرزا محمد هاشم الخوانساري وشيخ الشريعة الأصبهاني والسيّد حسن صدر الدين العاملي الكاظمي والعلامة النوري بأسانيدهم، وله الرواية عن خمسة من مشايخ العامة وواحد من علماء الزيدية.
٨. مثال الفقه والتقى الحاج شيخ علي القمي، عن العلامة النوري والحاج الشيخ عباس القمي.
٩. علم الفقه والتقى السيّد محمد علي الشاه عبد العظيمي، عن الفقيه الأورع الشيخ محمد حسين الكاظمي.
١٠. العلامة الحجة السيّد المصطفى النخجواني، عن المثل الأعلى للفقه والسلوك السيّد المرتضى الكشميري.
١١. العلامة المدقق الشيخ أسد الله الزنجاني، عن الحاج ملا علي الخليلي، وميرزا محمد هاشم الجهار سوقي الخوانساري، والعلامة السيّد علي القزويني، والعالم الورع الحاج السيّد حسين ابن السيّد قريش القزويني، والسيّد محمد الهندي، وعن رجل إلهي لم يذكر اسمه.
١٢. العلامة الفقيه الحاج شيخ عبد الحسين البغدادي، عن العلمين العيلمين الشيخ محمد طه نجف والسيّد محمد الهندي.
١٣. سيّد الفقهاء السيّد أبو تراب الخوانساري، عن الشيخ محمد حسين الكاظمي والمولى لطف الله المازندراني وآية الله الحاج السيّد حسين الكوهكمري وصاحب الروضات وأخيه ميرزا محمد هاشم والمحقق الشيخ محمد باقر بن الشيخ محمد تقّي الأصفهاني صاحب الحاشية والسيّد محمد ابن عم سيّدنا المجيز والشيخ عبد علي الأصفهاني والسيّد محمد علي الخوانساري.
١٤. حجة الإسلام الشيخ محمد باقر نزيل برجند، عن العلامة النوري والحاج

مولى علي الخليلي والمولى لطف الله المازندراني وآية الله الفاضل الإيرواني .

١٥. العلامة الحجة الشيخ أبو محمد رضا ابن الفقيه المفسر العارف الشيخ محمد حسين ابن المحقق الشيخ محمد باقر ابن أستاذ المجتهدين الشيخ محمد تقي صاحب العاشية الأصفهاني ، عن العلامة النوري والسيد حسن صدر الدين العاملي الكاظمي والعلامة السيد محمد القزويني وآية الله شيخ الشريعة الأصبهاني .

١٦. العلامة المؤلف الحاج الشيخ علي أكبر النهاوندي نزيل خراسان ، عن العلامة النوري وشيخ الشريعة الأصبهاني والمحقق الحاج ميرزا حبيب الله الرشتي والعلامة السيد أبي القاسم الإشكوري صاحب العاشيتين على المكاسب و الرسائل للإمام الأنصاري .

١٧. العلامة الحاج ميرزا فرج الله التبريزي ، عن الحاج ميرزا حسين الخليلي وآية الله السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي .

١٨. العلامة الفقيه الحاج شيخ عبد الله المامقاني ، عن أبيه آية الله الشيخ محمد حسن المامقاني والعلامة النوري والشيخ علي ابن الشيخ محمد بن خاتمة الفقهاء صاحب الجواهر والشيخ حسن ميرزا الخراساني النجفي .

١٩. العلامة الحجة الزعيم السيد نجم الحسن الرضوي اللكهنوي الهندي ، عن السيد الفقيه الطباطبائي اليزدي والحاج ميرزا حسين الخليلي وسيدنا الزعيم السيد إسماعيل الصدر والشيخ عباس ابن الشيخ حسن آل كاشف الغطاء .

٢٠. العلامة الحجة السيد محمد باقر الرضوي اللكهنوي الهندي ، عن المحقق الرشتي والسيد الطباطبائي اليزدي والحاج ميرزا حسين الخليلي والعلامة النوري والمحقق الخراساني وشيخ الشريعة الأصبهاني وسيد العلماء الحاج ميرزا محمد حسين الشهرستاني الحائري والحاج الشيخ عبد الله المازندراني ، وعن والد سيدنا المعجز السيد أبي الحسن .

٢١. العلامة الحجة السيد أبو الحسن النقوي اللكهنوي الهندي آل المجتهد الكبير السيد دلدار علي ، عن معاصر العلامة الكبير السيد ناصر حسين والعلامة السيد سبط حسين وشيخ الشريعة الأصبهاني والزعيم الخطير السيد آقا حسن الهندي بأسانيدهم .

٢٢. الفقيه الورع الحاج السيّد مرتضى ابن السيّد أحمد ابن السيّد المرتضى الحسيني الميلاني التبريزي الشهير بالحاج السيّد حاج آقا، عن العلامة ميرزا عبد الرحيم الكليري التبريزي، عن الحاج ميرزا حسين الخليلي والسيّد محمد الهندي وشيخ الشريعة الأصهباني والمحقّق الخراساني.

٢٣. العلامة البارع ميرزا علي أكبر التبريزي الخياباني، عن الفقيه الأوحد آية الله الحاج آقا رضا الهمداني والحاج سيّد مرتضى الكشميري والمحقّق الخراساني والحاج الشيخ عبد الله المازندراني والشيخ محمد باقر النهاوندي والشيخ حسن التويسركاني والشيخ إبراهيم اللاهيجي والمحقّق المولى علي النهاوندي.

٢٤. العلامة الحاج ميرزا علي أصغر ملك التبريزي، عن الحاج ميرزا حسين الخليلي والسيّد حسن صدر الدين العاملي الكاظمي والحاج الشيخ عبد الله المازندراني.

٢٥. العالم البارع الحاج السيّد أحمد بن المصطفى بن هاشم المصطفى بن الحسن بن الحسين الموسوي الحائري الأسكوئي التبريزي، عن آية الله ميرزا محمد تقي الشيرازي والمولى محمد علي الخوانساري النجفي والعلامة الحاج الفاضل الخراساني والعلامة الحاج السيّد عباس الشاهرودي الخراساني، وهذه إجازة مدبّجة.

٢٦. العالم الفاضل ميرزا حسن العلياري التبريزي، عن الآيات الباهرات الشيخ محمد طه نجف والفاضل الشراياني وميرزا أبي القاسم الحجّة الطباطبائي الحائري والعلامة ميرزا محمد علي الرشتي وعن والد شيخنا المجيز العلامة الحاج المولى علي المجتهد بأسانيدهم، وهذه أيضاً إجازة مدبّجة.

٢٧. العلامة الحجّة الشيخ مرتضى بن الشيخ عباس بن الشيخ حسن آل كاشف الغطاء، عن أبيه والمحقّق الخراساني والسيّد محمد القزويني.

٢٨. العلامة الحجّة الشيخ هادي بن الشيخ عباس بن الشيخ علي آل كاشف الغطاء، عن أبيه والشيخ محمد طه نجف والحاج آقا رضا الهمداني والعلامة السيّد حسين القزويني، وعن ابن عمّ أبي شيخنا المجيز الشيخ عباس ابن الشيخ حسن.

٢٩. العلامة الحجّة الشيخ محمد حسين ابن الشيخ علي بن الشيخ محمد رضا

ابن الشيخ علي آل كاشف الغطاء، عن الشيخ عباس ابن الشيخ علي والشيخ عباس
الشيخ حسن ابن عمّ جده الشيخ محمد رضا، وعن العلامة النوري والفقهاء البار
الورع الشيخ علي الخيقاني النجفي بأسانيدهم.

٣٠. العلامة الشيخ حسن اللنكراني، عن الحاج ميرزا حسين الخليلي والسيد أبي
تراب الخوانساري والسيد حسن صدر الدين العاملي الكاظمي والسيد محمد علي
الشاه عبد العظيمي.

٣١. العالم البار المفضل السيد مهدي الغريفي البحراني النجفي، عن الشيخ
محمد طه نجف والسيد محمد كاظم الطباطبائي والسيد محمد علي الشاه عبد
العظيمي والسيد مصطفى النخجواني والحاج الشيخ عبد الله المامقاني والسيد عبد الله
البهبهاني الرازي والشيخ عبد الهادي الهمداني البغدادي والسيد عبد الله الغريفي نزيل
بوشهر والشيخ علي بن الحسن بن علي بن سليمان البلادي والسيد باقر الهندي
وغيرهم، وهذه إجازة مدبّجة.

٣٢. العلامة الحجة السيد ميرزا هادي الخراساني الحائري، عن آية الله ميرزا
محمد تقي الشيرازي والسيد محمد علي الشاه عبد العظيمي والحاج ميرزا فرج الله
التبريزي والحاج الشيخ عبد الله المامقاني والسيد مصطفى النخجواني والسيد حسن
صدر الدين العاملي والسيد محمد الهمداني النجفي والسيد محمد إبراهيم القزويني
الحائري وشيخ الشريعة الأصهباني والسيد محمد البحراني الحائري والسيد محمد
القاساني والسيد محمد باقر البهبهاني والسيد علي التنكابني وميرزا محمد علي
الرشتي والعلامة الشيخ آقا بزرگ الرازي والشيخ فضل الله المازندراني والشيخ
إسماعيل المحلاتي والشيخ علي الحلبي النجفي والسيد كاظم البهبهاني الحائري
والحاج ميرزا علي الشهرستاني الحائري والشيخ غلام حسين المرندي الحائري
والسيد حسن ابن السيد ميرزا صالح القزويني والسيد مصطفى الكاشاني والسيد
إسماعيل الريزي الأصهباني وإمام الجمعة بنهاوند من أحفاد الوحيد البهبهاني والسيد
يحيى المجموردي.

٣٣. بخانة العصر الحاضر العلامة الأواحد الشيخ آقا بزرگ الرازي، عن العلامة

النوري والمحقق المولى علي النهاوندي والشيخ طه نجف والحاج السيد مرتضى الكشميري والحاج ميرزا حسين الخليلي والمحقق الخراساني والحاج السيد أحمد الرازي الكربلائي والشيخ محمد صالح بن أحمد بن صالح آل طعان البحراني وميرزا محمد علي الرشتي والشيخ علي الخيقاني والسيد محمد علي الشاة عبد العظيم وشيخ الشريعة الأصهباني والشيخ موسى بن جعفر الكرمانشاهاني والسيد أبي تراب الخوانساري والشيخ علي بن الشيخ محمد رضا ابن الشيخ علي آل كاشف الغطاء والسيد حسن صدر الدين العاملي الكاظمي والسيد ناصر حسين اللكهنوي الهندي . ٣٤ العلامة الحجة ميرزا محمد الطهراني نزيل سامراء ، عن الحاج ميرزا حسين الخليلي والسيد أبي تراب الخوانساري .

٣٥ العالم الورع الشيخ عبد الجواد ابن الحاج المولى أبي الحسن المازندراني الحائري ، عن شيخ الطائفة الإمام الأنصاري المرتضى والمحقق العلامة الأردكاني الحائري والفقهاء الأورع الشيخ زين العابدين المازندراني الحائري وآية الله ميرزا محمد تقي الشيرازي الحائري .

٣٦ محدث العصر الحاضر ثقة الإسلام الحاج الشيخ عباس القمي ، عن العلامة النوري وغيره .

٣٧ العلامة السيد محمد إبراهيم القزويني الحائري ، عن أبيه العلامة السيد هاشم والعلامة السيد أحمد الأصهباني الحائري .

٣٨ العلامة السيد محسن ابن السيد حسين القزويني ، عن عمه العلامة السيد محمد والمحقق الخراساني جميعاً عن جدّه آية الله سيّدنا المهدي ﷺ .

٣٩ العالم الفاضل الشيخ جعفر ابن الشيخ حسن القريشي النجفي ، عن الإمام المجدد الشيرازي والحاج المولى علي الخليلي والسيد مهدي القزويني والسيد حسن صدر الدين الكاظمي والمحقق الخراساني .

٤٠ العالم الفاضل السيد أحمد بن الحسين بن محمد بن الحسين بن عبد الكريم ابن محمد جواد بن عبد الله بن نور الدين الجزائري ، عن جمع أنا أشاركه في الرواية عنهم ، وتفرّد هو بالرواية عن كمال الدين ميرزا آقا الدولت آبادي الملايري النجفي

و العلامة الحجة السيّد عبد الصمد التستري الجزائري والشيخ محمد بن العظيم بن الرفيّع بن الشفيّع البروجرديّ الرازي وثقة الإسلام السيّد محمد المازندراني والعلامة الحجة الشيخ محمد رضا الدزفولي والشيخ علي بن الشيخ محمد رضا آل كاشف الغطاء والسيّد أبي القاسم بن أحمد بن الحسين بن عبد الكريم الموسوي الجزائري .

٤١. السيّد أحمد البهبهاني ، عن أبيه السيّد محمد باقر والفاضل الإيرواني والشيخ زين العابدين المازندراني الحائري والشيخ محمد حسن آل يس الكاظمي وميرزا أبي القاسم الحجة الطباطبائي الحائري .

هؤلاء أحد وأربعون شيخاً نروي عنهم كتب أصحابنا الإماميّة وأحاديثهم في الأصول والفروع وسائر المعارف الإلهيّة بأسانيدهم المنتهية إلى أرباب العصمة صلوات الله عليهم أجمعين ، ولنا مشايخ آخرون طوينا الكشف عن ذكرهم روماً للاختصار وقد ذكرنا تفاصيل هاتيك الأسانيد في غير واحد من إجازاتنا المفصلة ، ولنذكر هاهنا إسناداً واحداً ننهيهِ إلى معادن العلم ومهابط الوحي تبرّكاً وتيمناً بالاتّصال بهم ، ولتفاصيل أسانيد علمائنا مظانّ تطلب منها كخاتمة مستدرك الوسائل للعلامة النوري ، ولؤلؤة البحرين لصاحب العدايق ، والروضة البهيّة للسيّد الجابلق ، والمجلّد الأخير من البحار للعلامة المجلسي ، وكتاب الإجازات لشيخنا العلامة ميرزا محمد الرازي نزيل سامراء والإجازة الكبيرة لزميلنا العلامة النقوي .

فنبول : حدّثنا شيخنا الوالد رحمه الله ، عن شيخ الطائفة الشيخ محمد طه نجف ، عن مثال الفقه والتقى الحاج المولى علي الخليلي عن الفقيه الشيخ عبد علي الرشتي شارح الشرائع ، عن آية الله بحر العلوم الطباطبائي ، عن شيخه الإمام المجدّد الوحيد البهبهاني ، عن أبيه العلامة الأجل المولى محمد أكمل ، عن المدقّق الشرواني ، عن الإمام المجدّد العلامة المجلسي ، عن والده التقى ، عن شيخ الإسلام بهاء الملة والدين الحارثي العاملي ، عن والده العلامة الحسين بن عبد الصمد ، عن شيخنا الإمام زين الملة والدين الشهيد الثاني ، عن الشيخ علي بن عبد العال الميسي ، عن الشيخ الإمام المجدّد المحقّق الكركي ، عن الشيخ علي بن هلال الجزائري ، عن الفقيه العارف الزاهد أحمد بن فهد الحلّي ، عن العلامة الفاضل المقداد السيوري ، عن شمس الفقهاء الشهيد الأوّل ، عن

فخر الدين أبي طالب محمد، عن أبيه الإمام آية الله العلامة الحلي، عن خاله الإمام المحقق الحلي، عن السيد فخار بن معد الحسيني، عن الفقيه محمد بن إدريس الحلي، عن المفيد الثاني أبي علي الحسن، عن أبيه الإمام شيخ الطائفة أبي جعفر الطوسي، عن شيخ الأمة المفيد أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان، عن شيخه الفقيه الأجل أبي القاسم ابن قولويه صاحب الكامل، عن الشيخ الإمام ثقة الإسلام أبي جعفر محمد ابن يعقوب الكليني، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد ابن خالد، عن أبي البخترى، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن العلماء ورثة الأنبياء، وذلك أن الأنبياء لم يورثوا درهماً ولا ديناراً، وإنما أورثوا أحاديث من أحاديثهم، فمن أخذ بشيء منها فقد أخذ حظاً وافراً، فانظروا علمكم هذا عمن تأخذونه، فإن فينا أهل البيت في كل خلف عدولاً ينفون عنه تحريف الغافلين وانتحال المبطلين وتأويل الجاهلين، انتهى.

ليس المراد أنهم لا يورثون ما بأيديهم كما يحسبه الذين في قلوبهم زيغ، بل أنهم بما هم عيه من الزهد والإعراض عن الدنيا وحطامها وزيارجه، وبما هم عليه من مقام التعليم والإرشاد بالأقوال والأعمال لا يخلّفون مალأ ولا يبقون ما بأيديهم لما بعدهم إيثار له على الإنفاق في سبيله سبحانه حتّى يرثهم الوارث، وهذا لا ينافي إراثهم الطائف التي بأيديهم من ضروريات الحياة من مساكن وملابس ومراكب إلى أضرابها، أو ما أفاء الله عليهم من منافع ونحل حسب المصالح الوقتية، أو ما أتاحت لبعضهم من ثروة طائلة؛ كيف وآيات الموارث مطلقة ولا مقيدة لها، ولو وجد هناك مقيد من سنة فأصر به أن يضرب عرض الحائط لمخالفته القرآن، ففيه نصّ بإرث يحيى وسليمان.

فالخلاصة من مفاد الحديث أن الأنبياء بلحاظ ما تحلّوا به من السفارة الإلهية لا يناسبهم إلا أن يؤثّر عنهم العلوم والمعارف الإلهية والأخلاق الفاضلة والاجتماعيات الصحيحة والمدنيات الناجعة والحضارة الراقية والإصلاحات المهدّبة، لا المال التي يتكالب عليه أبناء الدنيا وإن ملكوه عفواً في بعض الأحيان لمصالح تقتضيها الظروف عائدة إلى شيء ممّا ذكر، فليس في الحديث أيّ دلالة على ما اختلقوه من إفك في موارث الأنبياء خلافاً منهم لله ولرسوله ﷺ.

وإلى المولى سبحانه نبتهل في أن يجعلنا من مصاديق هذا الحديث الشريف ومن الآخذين بحجزة صاحب الرسالة ﷺ والأئمة الأئمة من عترته دون غيرهم بالأخذ بما يؤثر عنهم والعمل به بمحمد وآله أجمعين صلى الله عليه وعليهم.

وقوله ﷺ: «فانظروا علمكم هذا..» إلماح إلى تحزّي المصادر الوثيقة في أخذ علوم النبوة وأحاديثها المشار إليها بقوله هذا، وهو الذي يناسبه التعليل بقوله ﷺ: «فإن..»، وليست هي إلا أئمة أهل البيت ﷺ، فليحذر المؤمن عن الركون إلى من عداهم فيهلك هلك من أضلته النزعات الأهوائية.

هذا؛ ولسيدنا المستجيز أن يروي عن مشايخ هؤلاء بأسانيدهم جميع كتب الشيعة وأحاديثهم الموثوق بها، مع ملازمة التقوى والتثبت في النقل، والتبصر في الرواية، والتحفظ على المتون والأسانيد، والتجنب عن السفاسف وورطات المتوسعين مما يشوه الحقائق الراهنة ويمسّ كرامة المذهب. وقد أجزت له بذلك كله، وأسأل الله له ولي التوفيق، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين، الأحقر محمد علي الغروي الأوردبادي سنة ١٣٥٨ هجري.

الخاتم: محمد علي

[٧]

صورة إجازة العلامة الشيخ محمدرضا الطبسي الخراساني

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أوحى إلى عبده ما أوحى، والصلاة والسلام على من دنى فتدلى فكان قاب قوسين أو أدنى، وعلى خلفائه خير الوري، وأوصيائه حملة علم العلي الأعلى، وعلى مرّوجي شريعته الغراء والملة البيضاء الذي رفع إسناد العلماء فخرجوا به إلى رتبة الأوصياء والأنبياء، وفضل مدادهم على دماء الشهداء الذين كانوا رواة وحبه وأمناء أمره ونهيه، الذين حفظوا ما استودعوه من أحاديث أهل العصمة، وأدوا إلى الخلف مواريث الأئمة، وصابوا متون الروايات عن التحريف بالعرض والمقابلة، وأسانيد الأحاديث عن الانقطاع بالقراءة والمناولة.

وبعد: فإن من جملة من أحبّ الدخول في عداد الرواة عن الأئمة الطاهرين

ورغب اتّصاله بأسانيد أسلافنا الماضين ومشايخنا الصالحين نتيجة الفقهاء والمجتهدين وقدوة المحصلين وزين المشتغلين « السيد محمد كاظم نجل السيد العالم والنحرير الكامل الممجد الآغا حاج سيد أحمد الجزائري » أيده الله وأبقاه وبلغه غاية ما يتمناه، فاستجاز هذا العبد الفاني « محمد رضا بن المرحوم عباس علي الطبسي الخراساني » نزول النجف الأشرف، فأطعت مسئوله فاستخرت الله جلّ شأنه، فأجزت له - دام توفيقاته - أن يروي عني جميع ما صحت لي طريقه وجاز لي روايته عن مشايخي الثقات بحق روايتي عنهم، وحيث إنّ لهذا العبد طرقاً كثيرة ربّما تربوا إلى أربعين فنشير إلى بعضها اقتداءً واقتفاءً بأساتيدنا الصالحين، فأول من أجازني وألحقني باتصال الأسانيد:

١. سمينا المكرّم العلامة الكبير الشيخ آغا محمد رضا الأصفهاني آل العلامة الأصولي الشيخ محمد تقي الأصفهاني صاحب العاشية نور ضريحه، عن عدة من مشايخه منهم: العلامة الشهير الشيخ فتح الله المعروف بشيخ الشريعة الأصفهاني والعلامة المحدث النوري - نور الله مرقده - والعالم المحقق الحاج شيخ باقر البهاري الهمداني، عن المولى حسين قلي الهمداني، عن العلامة الأنصاري، وعن جماعة أخرى.

٢. وعن سيدنا الأعلم فقيه أهل البيت مفتي الشيعة على الإطلاق وآية الله في الآفاق رئيس الفرقة الاثني عشر ومجدد المذهب في وسط القرن الرابع عشر السيد الإمام الممتحن أستاذنا الأعظم الأفقه الورع^١ السيد أبو الحسن الموسوي الأصفهاني متّع الله وجميع المسلمين بطول بقائه الذي هو اليوم حامي حوزة الإسلام وغوث المسلمين والقائم بحوائج أهل العلم والمشتغلين الذي هو اليوم في شرق الأرض وغربها جامع لشمل كلمة الشيعة وناهض في جميع الأقطار لإحياء الشرع والشريعة وأصبح الإسلام واليوم هو زعيمه الفريد وحاميه الوحيد، فكم من أبنية شيدت بحضرة من بناء المساجد والمواكب العزائية مما يحتاجون إليها الناس من العوام

والخواص ، والحاصل خدماته بالإسلام وأهله مما لا يمكن بيانه ولا يخفى على أحد أعيانه. اللهم أدم ظلّه وأطل عمره بحقّ محمد وآله الطاهرين ، عن السيّد العلامة الحجّة صاحب تأليفات النافعة أبي محمد السيّد حسن بن العلامة السيّد هادي الكاظمي والشيخ العلامة الحجّة الشيخ الشريعة المتقدّم ذكره .

٣. وعن أستاذنا العلامة آية الله الحاج شيخ عبد الكريم اليزدي ، عن المحدث النوري .

٤. وعن الشيخ العالم الأصولي الشيخ آغا ميرزا محمد القمي ، عن العلامة الحاج محمد حسن آل كبة البغدادي ، عن آية الله الرازي الخليلي .

٥. وعن المحدث الخبير والنقاد البصير التقّي النقيّ خاتمة المحدثين في عصرنا الثقة الأمين الحاج شيخ عباس القمي نور مرقدّه ، عن أستاذة العلامة النوري ، عن الشيخ الإمام الأنصاري ، عن العلامة النراقي ، عن السيّد العلامة بحر العلوم ، عن الأستاذ الأكبر المحقّق الهبهاني ، عن أبيه ، عن العلامة المجلسي .

٦. وعن العلامة الورع الشيخ هادي بن العلامة الشيخ عباس بن العلامة الشيخ علي بن الأستاذ الأكبر الشيخ جعفر صاحب كشف الغطاء النجفي .

٧. وعن العلامة الشيخ محمد حسين آل كاشف الغطاء ، عن العلامة النوري والشيخ العلامة الميرزا الخليلي الرازي وغيرهما .

٨. وعن الشيخ المتتبّع المتصلّع الشيخ ميرزا محمد الطهراني ، عن السيّد العلامة آية الله الشيرازي ، وعن المحدث النوري ، والشيخ العلامة المفسّر المولى فتح علي السلطان آبادي ، والشيخ العلامة الرازي المتقدّم ، والفقير السيّد العلامة الرجالي السيّد أبي تراب الخوانساري .

٩. وعن سيّدنا العلامة الحجّة الباري^١ أبي محمد السيّد حسن بن السيّد هادي الكاظمي ، ومقاماته لا يخفى على أحد وفي عصرنا غالب الإجازات تنتهي إليه نور الله مرقدّه الشريف .

١٠. وعن السيد العلامة السيد نجم الدين الحسن الهندي اللكهنوي، عن العلامة الطباطبائي السيد محمد كاظم، والعالم الشيخ الفقيه الشيخ عباس صاحب أنوار الفقهاء، والآية العلامة الحجة السيد إسماعيل الصدر الموسوي الأصفهاني، والآية الشيخ العلامة الحسن المامقاني، وعن جماعة أخرى من علماء الهند كالسيد مفتي محمد عباس آل العلامة السيد الجزائري وغيرهم.

١١. وعن^١ السيد العلامة السيد ناصر حسين، عن والده العلامة السيد حامد حسين صاحب عبقات الاثوار، وعن السيد سبط الحسين، عن السيد العلامة آية الله الشيرازي، وعن السيد العلامة السيد ميرزا محمد حسين الشهرستاني، والشيخ الفقيه زين العابدين المازندراني، وعن أستاذه آية الله العلامة الخراساني، وعن العلامة الشريعة الأصفهاني، والاعمالان المحققان الشيخ محمد حسين الحائري والشيخ عبد الله المازندراني، وعن آية الباري السيد حسن بن العلامة السيد هادي الكاظمي، وعن آية الله الكبرى العلامة السيد أبي الحسن الموسوي الأصفهاني أدام الله ظلّه العالي، والشيخ العلامة الشيخ علي الگونابادي.

١٢. وعن شيخنا العلامة البحّثة الشيخ عبد الحسين الرشتي، عن أستاذه آية الله الخراساني، والفقيه العلامة الشيخ الشريعة الأصفهاني، وعن العلامة الشيخ عبد الله المازندراني، وعن السيد العلامة السيد أبي تراب الخوانساري.

١٣. وعن السيد العالم السيد أحمد الخوانساري نزيل خوانسار بتوسط ولده المصطفى المعاصر السيد مصطفى نزيل قم، عن آية الله في الأرضين أستاذ الفقهاء والمجتهدين السيد أبي الحسن الموسوي الأصفهاني أدام الله ظلّه، وعن آية الله النائيني، عن الشيخ العلامة شيخنا الحاج شيخ علي بن إبراهيم القمي، عن المحدث النوري، وعن العالم الورع الآغا ميرزا حسن بن الميرزا إبراهيم الأصفهاني، والعلامة الشيخ الشريعة الأصفهاني.

١٤. وعن الشيخ الكبير شيخ الفقهاء الشيخ أسد الله الزنجاني نور مرقده، عن

١. في خ م بزيادة: وعن السيد العلامة السيد أبي الحسن النقوي اللكهنوي، عن السيد العلامة....

جماعة منهم: السيّد العلامة السيّد علي القزويني صاحب التعليقة على معالم الأصول، والفقهاء السيّد العلامة السيّد حسين الشهير بحاجي سيّد درويش^١، وعن آية الله الميرزا الشيرازي، والعالم العلامة الحاج ملا علي المعروف بحاجي ميرزا خليل، والفقهاء العلامة السيّد محمد الهندي، والمحقّق السيّد العلامة الحاج ميرزا محمد هاشم الخوانساري.

١٥. وعن أستاذنا العلامة في المعقول الميرزا محمد علي الشاه آبادي.

١٦. وعن الشيخ الورع الفقهاء الحاج شيخ علي بن إبراهيم القمي دام بقاءه، عن أستاذه المحدث النوري رحمته الله، وعن شيخ المحدثين الحاج شيخ عباس القمي نور مرقدته. ١٧. وعن الشيخ المحدث المؤلف الجليل العلامة الحاج شيخ علي أكبر النهاوندي نزيل مشهد الرضا - عليه آلاف التحية والثناء - عن جماعة منهم: الثقة المحدث النوري، وعن آية الله القزويني، والعلامة شيخ الفقهاء الرازي، والعلامة الحاج ميرزا محمد هاشم الجهارسوقي، وعن مثال الفقه والتقى الحاج ملا علي الخليلي، والمحقّق العلامة الحاج ميرزا حبيب الله الرشتي، والمدقق السيّد العلامة السيّد أبي القاسم الإشكوري، وشيخنا العلامة الشريعة الأصفهاني.

١٨. وعن العلامة المحدث الحاج شيخ محمد باقر البرجندي الجازاري، عن جماعة منهم: الشيخ الفقهاء المولى فتح الله المازندراني، والمحقّق العلامة الإيرواني، وشيخنا المحدث النوري، والمولى العلامة المولى علي بن الحاج ميرزا الخليلي، وغيرهم.

١٩. وعن شيخنا المتتبع المتصلّح البخاتّة الشيخ محسن الرازي المشهور بشيخ آغا بزرگ صاحب الذريعة في تصانيف الشيعة من عدّة من الأعلام منهم المحدث النوري، وعن الشيخ الفقهاء الشيخ محمد طه نجف التبريزي، وعن العلامة الحاج سيّد مرتضى الكشميري، والمدقق العلامة المؤسس صاحب تشريح الأصول الآخوند ملا علي النهاوندي، والشيخ العلامة الحاج ميرزا حسين بن الحاج ميرزا خليل الرازي،

والمولى السيد العلامة السيد حسن بن السيد هادي الكاظمي، وشيخنا العلامة الشريعة الأصفهاني، والمحقق السيد العلامة الحاج سيد محمد علي الشاه عبد العظيم، والفقير الورع الشيخ العلامة الرجالي الشيخ علي بن الحسين الخيقاني، والعلامة الشيخ الفقيه الميرزا محمد علي الرشتي رحمته الله، وآية الله المؤسس العلامة الخراساني نور الله مرقده، والسيد الفقيه السيد أبو تراب الخوانساري وغيرهم.

٢٠. وعن السيد العلامة الفقيه السيد محسن الأمين نزير الشقراء صاحب التأليفات الممتعة النافعة في كل فن منها أعيان الشيعة، عن عدة من الجهابذة منهم: الفقيه الورع الشيخ محمد طه نجف طاب ثراه، والسيد الفقيه السيد محمد الهندي رحمته الله، والسيد الجليل السيد محمد بن السيد محمد تقى، عن عمه السيد علي صاحب البرهان القاطع.

٢١. وعن الشيخ الفقيه الشيخ محمد علي القمي.

٢٢. وعن السيد العالم العلامة الحاج سيد فخر الدين القمي المعروف بشيخ الإسلام.

٢٣. وعن الشيخ العلامة الشيخ علي أكبر الخوانساري، عن العلامة الحاج ميرزا حسين الكبير السبزواري، عن مرتضى الإمام الأنصاري.

٢٤. وعن السيد العلامة السيد ميرزا هادي الخراساني، عن عدة كثيرة من الأعلام مثل التقى المتقي آية الله الشيرازي، والشريعة الأصفهاني، والآغا ميرزا محمد علي الرشتي، والسيد العلامة السيد آقا القزويني، والعالم الحاج محمد حسن كبة رحمته الله، والعلامة الشيخ علي آل كاشف الغطاء، والسيد العلامة السيد محمد علي الشاه عبد العظيم، والسيد محمد القزويني، والسيد محمد باقر البهبهاني، والميرزا فرج الله، والسيد علي التنكابني، والسيد محمد القاساني، والشيخ فضل الله المازندراني، والشيخ إسماعيل المحلاتي، والشيخ علي الحلبي، والسيد مصطفى النخجواني، والسيد مصطفى القاساني، والسيد إسماعيل الريزي وجماعة أخرى ممن يطول

بذكرهم .

٢٥. وعن السيد العلامة الفقيه البحّاث السيد عبد الحسين الموسوي المعروف بشرف الدين أدام الله بقاءه ، عن عدة من الأعلام منهم : السيد العلامة آية الباري السيد حسن بن السيد هادي الكاظمي نور الله مرقدّه ، والسيد العلامة الميرزا محمد هاشم الأصفهاني ، والمحدّث النوري ، والشرعية الأصفهاني ، ولنا من جنبه طرقاً إلى كتب أهل السّنة عامة وإلى كتب الزيدية خاصة ولا نحتاج الآن بذكرها .

٢٦. وعن السيد العلامة الفقيه السيد عبد الصاحب الحلو النجفي ، عن الشيخ الأوحد الشيخ محمد طه نجف ، وعن السيد العلامة السيد عدنان ، وعن الشيخ الفقيه الشيخ موسى خنفر .

٢٧. وعن العلامة الشيخ علي الشاهرودي ، عن آية الله الخراساني .

٢٨. وعن العلامة الفقيه الشيخ محمد كاظم الشيرازي ، عن أستاذه التقي المتّقي نور ضريحه .

٢٩. وعن السيد العالم الحاج سيّد أحمد الخوانساري .

٣٠. وعن السيد العالم العلامة السيد محمد التبريزي ، عن عدة منهم : آية الله في العالمين السيد أبو الحسن الأصفهاني ، والعلامة الميرزا محمد حسين النائيني ، وأستاذنا الأعظم الشيخ ضياء الدين العراقي .

٣١. وعن الشيخ العلامة الفقيه الشيخ حسن اللنكراني ، عن السيد الحجّة أبي محمد السيد حسن [بن] السيد هادي الكاظمي نور مرقدّه ، وعن السيد العلامة السيد محمد علي الشاه عبد العظيمي نور مرقدّه .

٣٢. وعن أستاذنا الأعظم المحقّق الأصولي العلامة الشيخ ضياء الدين العراقي .

٣٣. وعن الشيخ المعمر ملحق الأحفاد بالأجداد الشيخ الفقيه الشيخ عبد الجواد المازندراني الحائري في الحائر الحسيني بعد فريضة الصبح ممّا يلي الرأس الشريف ، عن الشيخ الإمام المرتضى الأنصاري والمولى أحمد النراقي ، عن العلامة السيد بحر

العلوم، عن السيد حسين القزويني، عن السعيد الشهيد السيد نصر الله الحائري، عن المحقق المجلسي - أعلى الله مقامه - بإسناده المتصل إلى شيخنا العلامة الصدوق في الأمالي، عن محمد بن علي، عن علي بن محمد أبي القاسم، عن أبيه، عن محمد بن أبي عمر العدني، عن أبي العباس بن حمزة، عن أحمد بن سوار، عن عبيد الله بن عاصم، عن سلمة بن وردان، عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله ﷺ: المؤمن إذا مات وترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة ستراً فيما بينه وبين النار، وأعطاه الله بكل حرف مكتوب عليها مدينة أوسع من الدنيا سبع مرات، وما من مؤمن يقف ساعة عند العالم إلا ناداه ربه عز وجل: جلست إلى حبيبي، وعزتي وجلالي لأسكتك الجنة معه ولا أبالي، فلنكتف بهذا المقدار.

ولنا طرق عديدة من جماعة من أهل العصر طوينا عنها كشحاً خوفاً للتطويل، فأجزت له - دام توفيقاته - أن يروي عني جميع ما صح لي روايته وسأغت لي إجازته، بهذه الطرق الكثيرة وغيرها مما ذكرناها في رسالة مستقلة المسماة بالأعلام الظاهرة في مشايخ إجازة الأخبار عن الأئمة الطاهرة مؤلفات أصحابنا الإمامية من التفسير والفقه والأصول وكتب الأدعية لا سيما ما يدور عليها فقه آل الرسول كجوامع الأربع لمحمد بن الثالث المتقدمين وهي الكافي الشريف والفقيه والتهذيبين، وجوامع الكبار الآخر لمحمد بن الثالث المتأخرين وهي البحار والوسائل والوافي.

وأوصيه بما أوصاني به مشايخي الثقات الصالحين من سلوك جادة التقوى فإن فيه صلاح الدارين وفلاح النشأتين، والسعي في قضاء حوائج إخواننا المؤمنين، وأن لا ينساني من الدعاء في مظان الاستجابة كما أنني لا أنساه إن شاء الله.

كتبه بيمينه الوازرة العبد الذليل الحقير الفاني «ابن المرحوم عباس علي الطبسي الخراساني محمد رضا» في ٢٩ شهر محرم الحرام سنة ١٣٦٠ هجري نزيل النجف الأشرف - على ساكنها ألف آلاف الهدية والتحف - وأنا الأخير محمد رضا الطبسي الخراساني.

[٨]

صورت إجازة آقا شيخ آغا بزرگ تهراني وعالم زاهد حاج شيخ علي بن

ابراهيم قمى - نور الله مرقدتهما الشريفيين - ساكنان نجف اشرف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي يجيز ولا يجاز، والحكيم الذي يعوذ ولا يعاذ، والكريم الذي آحاد نعمائه العالية متواترة على بريته كتواتر أحاديث إكرامه، والصلاة والسلام على محمد صلى الله عليه وآله الأمجاد، وعلى آله الطاهرين من الأرجاس والأرجاز.

وبعد: فيقول الحقير الجاني الأسير الفاني «محمد محسن المشهور بأغا بزرگ الطهراني»: إن السيد الشاب الجليل قدوة المشتغلين النبيل «السيد محمد كاظم نجل السيد العالم الحاج سيد أحمد آل العلامة السيد نعمة الله الجزائري» أحب الدخول في سلسلة الرواة عن الأئمة الهداة، فاستخرت الله وأجزت له - دام توفيقاته - أن يروي عني ما صحت لي روايته وسأغت لي إجازته عن مشايخي العظام وأمناء الله على الحلال والحرام، وهم كثيرون نكتفي بذكر بعضهم تأسيًا بالسلف الثقات الصالحين.

فمنهم المحدث الخبير والنقاد البصير العلامة النوري صاحب المستدرك بطرقه، ومنهم الشيخ الفقيه الورع الشيخ محمد طه نجف، ومنهم سيدنا العلامة الشريف الحاج سيد مرتضى الكشميري، ومنهم شيخنا العلامة الأصولي الأخوند المولى علي النهاوندي صاحب تشريع الأصول، ومنهم شيخنا الفقيه الأصولي الرجالي الشيخ فتح الله النمازي المعروف بشيخ الشريعة الأصفهاني، ومنهم شيخنا العلامة المحقق آية الله الخراساني نور ضريحه، ومنهم شيخنا الفقيه الميرزا محمد علي الرشتي وغيرهم ممن يطول المقال بذكرهم مع تشويش البال وكثرة الاشتغال. ولنكتف بذكر هذه العدة من الأعلام الزهر المنتجبين من نقباء البشر في هذا القرن الرابع عشر من هجرة سيد البشر وآله الأئمة الاثنى عشر عليهم صلوات الله الملك الأكبر.

فليرو السيد المعظم عن هؤلاء مؤلفات الإمامية ومسانيدهم المعتمدة المعتمدة كجوامع الكبار من البعد والكتب الأربعة المعروفة وسائر كتب الأخبار مراعيًا في

الرواية سلوك الاحتياط وملازماً للتقوى ومجانباً للهوى، والرجاء من جنبه أن لا ينساني من الدعاء في مظان الاستجابة.

وقد وقع الفراغ من كتابة هذه الإجازة في الليلة الرابعة والعشرين من صفر الخير سنة ستين وثلاثمئة بعد ألف من الهجرة النبوية، حرّره بيدي الجانية الفانية، وأنا الجاني أغا بزرگ الطهراني، والأحقر علي بن إبراهيم القمي.

[٩]

إجازة علامه آقاي حاج شيخ على اكبر نهاوندي نور الله مرقدہ الشريف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أسلكنا سبيل الهدى، ووفّقنا للسير بين طريق الصواب والخطأ، والصلاة والسلام على محمد المصطفى وأهل بيته وعترته مصابيح الدجى.

أما بعد: فقد طلب منّي السيّد الجليل الفاضل سلاله العلماء الأعظم «السيّد محمد كاظم نجل السيّد الأجلّ الأجلّ الحاج سيّد أحمد بن محمد جعفر بن عبد الصمد بن أحمد بن محمد بن طيّب بن محمد بن نور الدين بن السيّد العلامة السيّد نعمة الله الموسوي الجزائري» أبقاء الله تعالى ووفّقه لمرضاته، إجازة رواية ما صحّ لي روايته من الأحاديث المروية عن النّبي والأئمة المعصومين التي جمعها أصحابنا - رضوان الله عليهم - من الكتب المعتمدة والطرق المعروفة.

وأجزت له رواية ما رويتها من ذلك لا سيّما عن المحدث الخبير مولانا الحاج ميرزا حسين النوري الطبرسي نور الله مرقدہ، عن العلامة الأنصاري بطرقه المذكورة في خاتمة مستدرک الوسائل، لا سيّما الأصول الأربعة التهذيب والاستبصار وكتاب الكافي ومن لا يحضره الفقيه.

وكذلك أجزت له رواية ما ألّفه وصنّفه هذا الضعيف في ما يتعلّق بالأخبار وغيرها، فليرو عني جميع ذلك محتاطاً مراعيّاً للشرائط المحفوظة في الأصول، والمرجوّ أن يذكرني في صالح دعواته ويخطرني بالبال في بعض خلواته.

وكتب هذه الكلمات بيده الجانية «علي أكبر بن حسين النهاوندي» على طريق الاستعجال في وقت تشرف سيّدنا المستجيز بزيارة القبة الحضره الرضوية - على

ساکنینها آلف الصلاة والسلام والتحية - في يوم الثامن والعشرين من شهر رجب المرجب سنة ۱۳۶۲ سنة ألف وثلاثمئة واثنين وستين من الهجرة النبوية على هاجرها آلف الصلاة والسلام والتحية، وأنا الأحقر علي أكبر النهاوندي .

محلّ الخاتم: هو العلي الأكبر

این بود اجازات حقیر، و چون حالات خود را در زندگی نامه و خودشناسی مفصلاً نوشته‌ام، لذا با ذکر تألیفات خود، این مختصر را خاتمه می‌دهم و از خواننده بپوزش می‌طلبم .

کتاب‌های حقیر به شرح زیر است :

۱. ترجمه هدایه نحو، فارسی .
۲. أنوار الكلام في ما رأيناه في هذا المقام، عربی .
۳. زندگی نامه، کشکول، فارسی .
۴. خودشناسی، کشکول، فارسی .
۵. کلید نجات، خواص آیات و سوره‌های قرآن، فارسی .
۶. در بهشت، تفسیر بعضی آیات قرآن، فارسی .
۷. بلغ امید، چهل حدیث، فارسی .
۸. نزهة الأنظار في مشايخ الإجازة إلى أئمة الأطهار .
۹. گلزار احمد .

کُتِب فوق الذکر بجز ترجمه هدایه در کتاب‌خانه آستان قدس رضوی می‌باشند . به همین جا شرح حالات خود را به پایان می‌رسانم در تاریخ روز چهارشنبه هشتم اردیبهشت ماه سال یک هزار و سیصد و پنجاه (۱۳۵۰) شمسی ، مطابق دوم ربیع الأول سال یک هزار و سیصد و نود و یک (۱۳۹۱) هجری ، در شهر تهران با کمال عجله ، و چنانچه اشتباهی رخ داده از خواننده امید غفور دارم، و أنا الأحقر المذنب المنزوی « محمد کاظم بن أحمد بن محمد جعفر الجزائري الموسوي » غفر الله له ولوالديه بمحمد وآله الطاهرين - صلوات عليهم أجمعين - حامداً مصلياً مستغفراً، وإني وقعت في زمان صار الجهل فيه مشهوراً، وعلم الدين كأن لم يكن شيئاً مذكوراً، لا إله إلا الله .